

مفاهیم، نشانه‌ها و راه‌های رسیدن به کارآمدی از منظر مقام معظم رهبری (حفظه الله)

نظام اسلامی یک نظام کارآمد است

فائزه فلاطونی

هرجا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت.

«مشروعیت همه‌ی ما بسته به انجام وظیفه و کارایی در انجام وظیفه است. بنده روی این اصرار و تکیه دارم که بر روی کارایی‌ها و کارآمدی مسئولان طبق همان ضوابطی که قوانین ما متخذ از شرع و قانون اساسی است، بایست تکیه شود. هرجا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت. این که ما در قانون اساسی برای رهبر، رئیس‌جمهور، نماینده‌ی مجلس و برای وزیر شرایطی قائل شده‌ایم و با این شرایط گفته‌ایم این وظیفه را می‌تواند انجام بدهد، این شرایط، ملاک مشروعیت برعهده گرفتن این وظایف و اختیارات و قدرتی است که قانون و ملت به ما عطا می‌کند؛ یعنی این حکم ولایت، با همه‌ی شعب و شاخه‌هایی که از آن منشعب است، رفته روی این عناوین، نه روی اشخاص. تا

معنای کارآمدی

«ما به فضل اسلام، قوی هستیم. ما باید قوت خودمان را بشناسیم و از آن استفاده کنیم. در درجه‌ی اول هم باید کارایی خود را در داخل کشور نشان دهیم. کارایی هم یک چیز معجز نشان نیست؛ هر کس اگر به وظیفه‌ی خود عمل کند، راه خود را بشناسد و از آن تخطی نکند، این می‌شود کارایی؛ هم در مورد دولت این‌طور است، هم در مورد قوه‌ی قضائیه این‌طور است، هم در مورد مجلس شورای اسلامی این‌طور است و هم در مورد شوراهای اسلامی این‌گونه است.»



و با القای آن به مردم، ارتباط مستحکم مردم با نظام اسلامی را از بین ببرند. دوم دسته‌بندی و اختلاف ایجاد کنند. این دو نقطه‌ی امید برای صهیونیست‌ها، آمریکایی‌ها، استکبار و دشمنان نظام اسلامی وجود دارد.

همه متوجه این دو نقطه باشند.^۱
«تلاش می‌شود باور جوانان به «اسلام و کارآمدی نظام اسلامی» تضعیف شود و حتی تداوم حیات جمهوری اسلامی، ناممکن القا شود... دشمنان به موازات توطئه‌های مختلف از ناممکن بودن تداوم نظام اسلامی می‌گویند اما نظام منتخب ملت ایران اکنون از نهد اول انقلاب به درختی تناور و سرسبز تبدیل شده و این واقعیت نشان می‌دهد استعداد رشد و بالندگی و قوی‌تر شدن، در ذات نظام اسلامی است و هر روز بیشتر محقق خواهد شد.»^۲

«القای ناکارآمدی نظام و تردیدافکنی در ارزش‌ها و مبانی اعتقادی انقلابی، از جمله نیازهای دولت آمریکاست و متأسفانه برخی عناصر - دانسته یا ندانسته - به تأمین این نیازهای دشمن کمک می‌کنند و عملاً زمینه را برای اقدام نظامی یا شبه نظامی او به وجود می‌آورند.»^۳

برخی از داخلی‌ها نیز در صدد اثبات ناکارآمدی نظام اند!

«نقطه‌ی دیگر مورد توجه این است که با تبلیغات ناکارآمدی نظام را به صورت یک اصل مسلم درآورند که به نظر من این از آن چیزهای خطرناکی است که گاهی دوست‌ها و خودی‌ها هم در این جا اشتباه می‌کنند. در مقام انتقاد از دستگاه و سازمان و مسئولی، گاهی طوری حرف زده می‌شود که انعکاس آن در بیرون و در ذهن مخاطبانی که نشست‌اند و به حرف ما گوش می‌کنند، به مراتب بیش از آن واقعیت است! این را باید توجه داشت. ما نباید با دشمنان نظام هم‌صدا شویم. آن‌ها مرتب روی ناکارآمدی نظام تکیه می‌کنند و ما هم چه به صورت ناکارآمد جلوه دادن قوه قضاییه، چه به صورت ناکارآمد جلوه دادن دولت و چه به صورت ناکارآمدی و یا پد جلوه دادن اشخاص امین و سالمی که در نظام مشغول خدمتند، دائماً آن را تکرار می‌کنیم! هر کدام از کارها باید در جای خود صورت گیرد.»^۴

نشانه‌های کارآمدی نظام اسلامی

دست برتر جوان ایرانی در همه‌ی زمینه‌ها

«امروز مهندس ایرانی، تحصیل کرده‌ی ایرانی، دکتر ایرانی، ارتشی ایرانی، سپاهی ایرانی به خود می‌بیند که بسازد، تولید کند، ایجاد کند، به کار بگیرد و برتر از دست‌های دیگر، دستی را در عرصه ظاهر کند. آن روز حتی فکرش را هم نمی‌کردند که حالا مثال‌هایش الی ماشاءالله. این، کارآمدی این نظام است؛ این نظام این کار را کرد.»^۵

۱- کارآمدی اخلاقی و معنوی

۱-۱- گسترش دین در سطح جهان
«بلاشک دنیا، دنیای دیگری شده است. آن روزی که این انقلاب به پیروزی رسید، وضع اسلام در دنیا این نبود که امروز هست؛ خیلی متفاوت بود. آن روزی که این نهضت شروع شد، وضع اسلام و دین و دین‌داری در داخل همین کشور هم این نبود که شما امروز مشاهده

وقتی که این عناوین، محفوظ و موجودند، این مشروعیت وجود دارد. وقتی این عناوین زایل شدند، چه از شخص رهبری و چه از بقیه مسؤولان در بخش‌های مختلف، آن مشروعیت هم زایل خواهد شد. ما باید به دنبال کارآمدی باشیم. باید هر یک از کسانی که متصدی این مسؤولیت‌ها از صدر تا ساقه هستند، بتوانند آن چه را که برعهده‌ی آن‌هاست به قدر معقول انجام دهند. انتظار معجزه و کار خارق‌العاده نداریم و نباید داشته باشیم؛ اما بایست انتظار تلاش موفق را که در آن نشانه‌های توفیق هم مشاهده شود، داشته باشیم.»^۶

نظام اسلامی یک نظام کارآمد

«بدانید نظام شما، یک نظام کارآمد و برجسته است. دشمنان شما سعی‌شان این است که به‌زور به شما بفهمانند، بقبولانند، بیاوراند که این نظام شما، نظام ناکارآمدی است. نه، اتفاقاً این نظام خیلی کارآمد است. این نظام در عرصه‌های مختلف، کارآمدی خودش را نشان داده. در مورد خدمات و گسترش خدمات عمومی به مردم، ایران امروز را شما مقایسه کنید با ایران دوران طاغوت؛ اصلاً قابل مقایسه نیست. این، یک عرصه‌ی کارآمدی است که حالا مثال‌ها و نمونه‌های فراوان و آمارهایش را شماها خوب می‌دانید. البته خیلی خوب است که برای مردم این‌ها گفته بشود و شماها بازگو کنید.»^۷

روزبه‌روز بر اعتقاد به توانایی نظام اسلامی افزوده شده است.

«بنده همچنان بعد از گذشت بیست‌وپنج سال، با مشاهده‌ی وضع کشور و وضع ملت، روزبه‌روز اعتقاد به توانایی نظام اسلامی بر ساختن یک جامعه‌ی شسته‌روفته‌ی رو به رشد شکوفا در همه‌ی ابعاد بیشتر شده است. وظیفه‌ی همه‌ی ما اقامه‌ی قسط، اجرای عدالت، تربیت ملت و پیشرفت مادی و معنوی ملت و به تکامل رساندن کشور و نجات آن از محرومیتی است که در طول ده‌ها سال حکومت طاغوت و خارجی‌ها بر آن تحمیل شده است. بسیاری از محرومیت‌هایی که در کشور ما وجود دارد و شما نشانه‌هایش را امروز در گوشه و کنار مشاهده می‌کنید، ناشی از حرکت عمومی طولانی است که حاکمیت طاغوت و ظلمه، مستبدان و مستأثران بر این ملت به‌وجود آورده‌اند که طبعاً تبعات و عواقبی دارد و رفعش مشکل است؛ اما ممکن هم است. بنده همچنان بعد از گذشت بیست و پنج سال با مشاهده‌ی وضع کشور و وضع ملت، روزبه‌روز اعتقاد به توانایی نظام اسلامی بر ساختن یک جامعه‌ی شسته‌روفته‌ی رو به رشد شکوفا در همه‌ی ابعاد بیشتر شده است و معتقدم که با همین فکری که در قالب و چارچوب قانون اساسی مجسم و متجسد شده می‌توان کشور را به رفاه و پیشرفت رساند؛ اما شرطش این است که ما کارآمدی خودمان و کارآمدی مسؤولانمان را در همه‌ی انتخاب‌ها، در همه‌ی گزینش‌ها و در همه‌ی انتصاب‌ها حفظ کنیم.»^۸

القای ناکارآمدی نظام؛ نقطه‌ی امید دشمنان

«دشمنان ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی فقط به دو موضوع می‌توانند امید داشته باشند. یکی این که ناکارآمدی نظام را به مردم القا کنند؛ یعنی بگویند این نظام نمی‌تواند خواسته‌های مردم را برآورده کند

می‌کنید؛ دین، غریب و مظلوم و منزوی بود؛ از دین برائت می‌جستند؛ حتی دین‌دارها از دین‌داری خجالت می‌کشیدند! وضع فرهنگ غیردینی بلکه ضددینی به جایی رسیده بود که بزرگترین تعریف دینی از یک جوان این بود که بگویند فلان جوان نمازخوان است! همه چیز به سمت دوری از اسلام و دوری از خدا بود. در دیوار این کشور را به گناه آلوده کرده بودند. بعضی از ظواهر محفوظ بود؛ اما از بواطن دین، از روح دین، از حرکت عمومی به سمت هدف‌های دین خبری نبود و این در ایران بود که مردمش یکی از متدین‌ترین مردمان مسلمان در کشورهای گوناگون بودند. در بعضی کشورهای دیگر اسلامی، وضع مثل این جا بود؛ در بعضی جاها هم وضع بدتر بود. سران کشورهای اسلامی یادشان نمی‌آمد که مسلمانان! در مجامع سیاسی و رسمی اسلامی، چیزی که مطلقاً به یاد کسی نمی‌آمد، این بود که یک حرکت و یک تظاهر اسلامی انجام بگیرد، یا از یک تظاهر ضد اسلامی جلوگیری بشود؛ اصلاً چیزی به عنوان اسلام مطرح نبود! امروز کار به جایی رسیده است که دشمنان اسلام و دین - منظور دشمنان فردی و شخصی و اعتقادی نیست؛ دشمنان سیاسی است؛ آن‌هایی که دین‌داری مردم را سدی در مقابل اطماع و هوس‌ها و شهوات خود می‌بینند - از گسترش دین در سطح عالم به عنوان یک پدیده‌ی خطرناک یاد می‌کنند! ما باید به این واقعیت خیلی توجه کنیم.^{۱۰}

۲- کارآمدی در عرصه‌ی بین‌المللی

۱-۲- جایگاه سیاسی و عزت بین‌المللی
«جایگاه سیاسی و عزت بین‌المللی؛ چه کسی می‌تواند این را منکر بشود؟ چه کسی می‌تواند تأثیر گذاری دولت جمهوری اسلامی را امروز در سیاست‌های منطقه، بلکه سیاست‌های فرامنطقه منکر بشود؟ چه کسی می‌تواند عزت جمهوری اسلامی را در بین ملت‌های مسلمان منکر بشود؟ کدام کشور می‌تواند ادعا کند که رئیس آن کشور، مسئولان بالای آن کشور می‌روند در یک کشور مسلمان دیگر، مردم آن کشور مسلمان دیگر، ولو دولتشان هم نخواهد، اجتماع می‌کنند و به نفع او شعار می‌دهند؛ غیر از جمهوری اسلامی؟ فقط جمهوری اسلامی است که رؤسایش در میان ملت‌های دیگر، امتداد معنوی و حقیقی و سیاسی دارند. این‌ها کارائی نیست!؟ کدام عرصه‌ی کارائی از این‌ها مهم‌تر و بالاتر؟ ایجاد یک گفت‌وگو نو در سطح بین‌الملل اسلامی. همین گفت‌وگو هیت اسلامی و سلطه‌ناپذیری و استقلال را این نظام ایجاد کرد؛ گسترش داد و ارتباطات و همسایه‌ها و غیره و غیره؛ حرف زیاد است.»^{۱۱}

۲-۲- بیداری روح معنویت در سرتاسر جهان
«بیداری اسلامی در کشورهای گوناگون و بیداری روح معنویت در سرتاسر جهان، مرهون انقلاب اسلامی است.»^{۱۲}

۳-۲- ایجاد موج اسلام‌خواهی در دنیا
«انقلاب اسلامی که پیروز شد، اسلام در دنیا یک رونق تازه‌ای پیدا کرد. خیلی‌ها در دنیا به فکر افتادند که این چه بود؟ این کدام موتور پر قدرت بود که توانست یک چنین حادثه‌ی عظیمی را به وجود بیاورد که غرب را تکان داد؟ پیروزی انقلاب اسلامی و عظمت امام، غرب را تکان داد، نظام سلطه را تکان داد. خیلی‌ها به فکر افتادند بروند ببینند این چیست. به قرآن مراجعه کردند، حقایقی از اسلام دستشان آمد؛ لذا مشتاق اسلام

شدند، گرایش به اسلام پیدا کردند.»^{۱۳}

۴-۲- احیای روح غرور اسلامی

«انقلاب اسلامی روح غرور اسلامی را، روح افتخار و تفاخر به اسلام را در مسلمان‌ها زنده کرد. آن‌ها با این دشمنند، با این مخالفند.»^{۱۴}

۵-۲- بلند کردن پرچم آزادی در دنیای اسلام

«در دنیای اسلام، پرچم آزادی را نظام جمهوری اسلامی بلند کرد؛ در شعارهایش «استقلال» و «آزادی» طنین‌انداخت.»^{۱۵}

۶-۲- برگرداندن هویت اسلامی به ملت‌های مسلمان

«انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی خود از یک طرف به مبارزان دنیا امید داد و دل‌های غیرت‌مندان را که می‌خواستند با ظلم و جور و نامردمی در هر نقطه‌ی عالم مبارزه کنند زنده کرد و از طرف دیگر، هویت اسلامی را به ملت‌های مسلمان برگرداند.»^{۱۶}

۷-۲- افزایش اقتدار شیعه

«امروز شیعه است که در ایران اسلامی، پرچم عزت و اقتدار اسلامی را بلند کرده و بر روی دست گرفته است و استکبار احساس عجز می‌کند.»^{۱۷}

۸-۲- شکستن اقتدار دنیای سلطه

«دنیا عادت کرد به تقسیم میان سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ به طور سنتی، جمعی از ملت‌ها باید زیر فرمان و یوغ استعمار و استکبار دولت‌ها و ملت‌های دیگری قرار می‌گرفتند. انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی آمد و این خطا کشی باطل و این نظام غلط را در هم شکست.»^{۱۸}

۹-۲- قطع نفوذ آمریکا

«انقلاب اسلامی جزو افتخاراتش این بود که نفوذ آمریکا، دست آمریکا و ریشه‌های آمریکا و بند و بست‌های آمریکایی را در این کشور از بین برد.»^{۱۹}

۱۰-۲- ایجاد افق جدید در حیات ملت‌های مسلمان

«با انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی، افق جدیدی در زندگی محیط اسلامی - مجموعه کشورهای و ملت‌های مسلمان - به وجود آمد و انقلاب و نظام اسلامی، آرمان‌های جدیدی به آن‌ها داد.»^{۲۰}

۱۱-۲- معرفی و ودفاع از ارزش‌های اسلامی

«انقلاب اسلامی افتخارش این است که ارزش‌های اسلامی، توحید، احکام الهی و ارزش معنویت اسلام را دارد به دنیا معرفی می‌کند و موفق شد.»^{۲۱}

۳- کارآمدی در عرصه سیاسی

۱-۳- تحکیم مردم‌سالاری

«شاید بشود گفت از همه این‌ها باز مهم‌تر و بالاتر، کارآمدی این نظام در زمینه‌ی تحکیم مردم‌سالاری بود. با آن سابقه‌ی منحوس و زشتی که در این کشور وجود داشت، این نظام توانست مردم‌سالاری را جا بیندازد. ما امروز تقریباً هر سال یک انتخابات داریم ... این همه انتخابات با آرامی، با سلامت، بدون دردهای بزرگ انجام گرفته. این، نشان دهنده‌ی این است که مردم‌سالاری در این کشور جا افتاده است. چه کسی این کار را کرده؟ این نظام کرد. این کارایی بسیار مهمی است.»^{۲۲}

۲-۳- مردم‌سالاری دینی

«ما بعد از قرن‌های متمادی که بر این کشور استبداد حاکم بود به برکت اسلام و انقلاب اسلامی به مردم‌سالاری رسیده‌ایم؛ آن هم مردم‌سالاری با دین.»^{۲۳}



در این چهار دهه
ملت و دولت کارهای
بزرگی انجام داده‌اند.
زیربناهای علمی و
اجرایی و عملی و فکری
فراوانی در کشور در
این مدت به وجود
آمده است که این‌ها
مطلقاً قبل از انقلاب
وجود نداشت؛ قبل از
نظام جمهوری اسلامی
این زیربناهای عظیم
وجود نداشت.

۴- کارآمدی در عرصه ملی

۱-۴- افزایش اقتدار و ابهت ایران اسلامی

«در انقلاب، در دفاع مقدس، در آزمون‌های گوناگون این سی سال، ملت ما خوب امتحان دادند. به همان مقداری هم که کار کردیم، به همان مقداری هم که حرکت کردیم، خدای متعال دست‌آورد داد. ما کجا بودیم در دوران طاغوت در بین امت اسلام و در بین ملل عالم؟ منزوی، گمنام، فراموش شده، در درون خود بدون حساسیت‌های لازم، بدون آن شجاعت‌ها، بدون آن همت‌هایی که یک ملت را به جهش وادار می‌کند؛ این‌جوری بودیم. امروز جوان ما، دانشمند ما، عالم ما، صنعت‌گر ما، کشاورز ما، آحاد مردم ما، آرزوهای بزرگ دارند، در راه آن آرزوها حرکت می‌کنند و نتیجه‌اش را هم دارید می‌بینید. بزرگ‌ترین قدرت‌های دنیا، شعار خودشان را قرار داده‌اند مقابل با جمهوری اسلامی؛ خیال می‌کنند ملت ایران را با این کار دارند ارباب می‌کنند؛ تهدید می‌کنند؛ نمی‌دانند که ملت ایران احساس هویت می‌کند که می‌بیند مادی‌ترین و خبیث‌ترین قدرت‌های مادی عالم، مانع خودش را ملت ایران می‌بیند برای رسیدن به اهداف شومی که دارد؛ این چیز کمی نیست.»^{۳۸}

۲-۴- افزایش اعتماد به نفس

«آن چه که انقلاب به ما داده و توقع ما از خودمان است و این را روزبه‌روز باید در خودمان تقویت کنیم؛ اعتماد به نفس است.»^{۳۹}

۳-۴- افزایش شجاعت و قدرت و عزت

«دست‌آورد بزرگی که انقلاب اسلامی به مردم ما داد؛ مردم را زنده کرد؛ آن‌ها را به هوش آورد و شجاعت و قدرت و عزتشان داد.»^{۴۰}

۴-۴- تکریم و توجه به مردم

«تسل جدید ما فراموش نکنند، ما دوره‌ی قبل از انقلاب را با همه‌ی وجودمان لمس کردیم؛ دیکتاتوری را، در حاشیه بودن مردم را، بی‌اعتنائی به مردم در امر حکومت را با همه‌ی وجودمان دیده‌ایم؛ جوان‌های ما ندیده‌اند. مردم قبل از پیروزی انقلاب هیچ نقشی در مدیریت کشور و تعیین مدیران نداشته‌اند؛ رؤسا، سلاطین، پادشاهان و اطرافیان‌شان، می‌آمدند، می‌رفتند، [اما] مردم فقط تماشاچی بودند؛ هیچ نقشی نداشتند. انقلاب اسلامی آمد و مردم را از حاشیه به متن آورد؛ مردم شدند صاحب اختیار.»^{۴۱}

۵-۴- وجود شخصیت‌های آماده‌ی مدیریت

«در این چهار دهه ملت و دولت کارهای بزرگی انجام داده‌اند. زیربناهای علمی و اجرایی و عملی و فکری فراوانی در کشور در این مدت به وجود آمده است که این‌ها مطلقاً قبل از انقلاب وجود نداشت؛ قبل از نظام جمهوری اسلامی این زیربناهای عظیم وجود نداشت.

۳-۳- ارائه‌ی شیوه‌ی موفق مردم‌سالاری همراه با معنویت

«ما مردم‌سالاری را نه جدا و بیگانه‌ی از معنویت و دین، بلکه توانسته‌ایم کاملاً برخاسته‌ی از دین و معنویت در کشورمان مستقر کنیم. امروز کشورهایی که دولت‌ها و بعضی از نمایندگان مجالسشان از دموکراسی و آزادی انتخابات دم می‌زنند، دموکراسیشان بیگانه‌ی از معنویت بوده است. در نتیجه هرچا لازم شده و توانسته‌اند در همان دموکراسی‌ها تقلب کنند، برخلاف رأی مردم تقلب کرده‌اند. الان رئیس‌جمهور آمریکا با کمتر از بیست‌وپنج درصد آرای مردم خودش، آن هم با حکم دادگاه در آمریکا حکومت می‌کند؛ دموکراسی که با معنویت همراه نباشد، همین است. بعد هم با ادعای دموکراسی به دیکتاتورترین دیکتاتورهای دنیا دست دوستی و رفاقت و برادرخواندگی دادند؛ به دیکتاتورهای دنیا و کودتاها‌ی نظامی نگاه کنید! همه‌ی این‌ها رفیق‌های نزدیک همین دموکرات‌های دنیا و طرفداران دموکراسی و مردم‌سالاری‌اند. وقتی دموکراسی با معنویت و حقیقت و دین همراه نباشد، این‌طوری می‌شود. ما تجربه‌ی نوبی را آوردیم؛ ما دموکراسی را از دین گرفتیم؛ دموکراسی ما با معنویت و دین همراه است؛ لذا شد مردم‌سالاری دینی؛ شد جمهوری اسلامی. مردم به این دست‌آورد می‌بالند و از آن دفاع و به آن افتخار می‌کنند.»^{۴۲}

۳-۴- تبدیل نظام طاغوت‌سالار به نظام مردم‌سالار

«مهم‌ترین کار اصولی که انقلاب کرده است، تبدیل نظام طاغوت‌سالار به نظام مردم‌سالار است؛ این مهم‌ترین کاری است که انقلاب کرده است؛ آن هم با الهام از تعالیم اسلامی، نه با مکتب‌های این نظریه‌پرداز و آن نظریه‌پرداز و نقص‌ها و معارضاتی که در حرف‌هایشان هست؛ نه، با الهام از اسلام، یا الهام از قرآن. «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ»؛ نظام الهی در مقابل نظام طاغوتی است و جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی، نظام الهی را معنا کرد به نظام مردم‌سالاری دینی؛ جمهوری اسلامی یعنی این؛ تبدیل کرد نظام طاغوتی را به نظام مردم‌سالار؛ این مهم‌ترین کار است.»^{۴۳}

۳-۵- رهایی از وابستگی‌ها

«انقلاب اسلامی و نظام اسلامی کشور را از وابستگی نجات داد؛ این قیدوبندها را برداشت و راه ملت را باز کرد.»^{۴۴}

۳-۶- نفی اندیشه‌ی سکولاریسم

«از بزرگ‌ترین خدمات حرکت عظیم دینی ملت ایران، این بود که افسانه‌ی غلط «جدایی دین از سیاست» را زایل کرد و از بین برد.»^{۴۵}

انقلاب این رقم را داشته که اگر با امروز مقایسه کنیم با توجه به مسائل تورم، رقم خوبی را نشان می‌دهد؛ اما باید گفت که درآمد ملی آن روز، چیزی غیر از معنای درآمد ملی امروز بود. امروز جمهوری اسلامی تا اعماق روستاها را کشور و ملت ایران می‌داند. امروز راه‌آهن، خط شوسه، امکانات ارتباطی، بزرگ‌راه‌ها، برق، آب، تلفن و وسایل آسایش، مخصوص شهرهای بزرگ نیست؛ اما آن روز این‌طور نبود. من می‌دیدم که امام (رضوان الله تعالی علیه) غالباً حرص و جوش می‌خوردند که چرا این آمارها را نمی‌دهید. حالا بنده خودم وقتی با مجامع گوناگون روبرو می‌شوم، همین حرص را می‌خورم. آمارها فوق‌العاده است. بله، یک عده آدم بدخواه، بدجنس، بی‌مسئولیت، بی‌فکر نسبت به آن کاری که می‌کنند و تابع دشمنان خارجی، ممکن است آمارها را زیر سؤال ببرند که می‌برند هم. بله، دولت این‌طوری گفته؛ پس موفقیت‌ها کجاست؟! آیا باید آمار این موفقیت‌ها را به تهران بیاورند و در دفترتان به شما نشان بدهند؟! شما باید بروید و ببینید که این موفقیت‌ها کجاست.»^{۳۴}

۲-۶- احیا و ارتقای صنعت و کشاورزی

«کشاورزی نابود شده‌ی کشور را این نظام احیا کرد. صنعت ساده‌ی ابتدایی کشور را این نظام به صنعت پیچیده‌ی حساس انرژی هسته‌ای رساند. این نظام الان در زمینه‌های صنایع نو... نانوتکنولوژی و صنایعی از این دست که این‌ها از صنایع نوی دنیاست تقریباً» دوش به دوش صفوف اول دارد حرکت می‌کند و دارد کار می‌کند. این‌ها کارآمدی نظام است.»^{۳۵}

۷- کارآمدی در عرصه نظامی و دفاعی

افزایش قدرت دفاعی و نظامی

«شما به عرصه‌ی کشور نگاه کنید. ما در زمینه بخشی از پیچیده‌ترین صنایع - که یک روز صنعت‌گران این کشور حتی فکرش را نمی‌کردند - به خاطر مدیریت‌های کارآمد به حد مطلوب رسیدیم. بسیاری از بیگانگان، دشمنان و رقیبان حتی حاضر نیستند این واقعیت را باور کنند؛ ولی بالاخره باور می‌کنند چون آثارش را در گوشه کنار می‌بینند. ما در بخش‌های صنعت دفاعی از کجا به کجا رسیده‌ایم؟ در دوران جنگ، ما در تولید ساده‌ترین مهمات این کشور مشکل داشتیم؛ اما امروز بخشی از ابزارهای بسیار پیچیده - که خیلی از کشورهایی که نسبت به ما سابقه‌ی بیشتری در صنعت دارند از آن محرومند - به وسیله‌ی همین جوانان متعهد و مدیران دلسوز در بخش‌های دفاعی ما ساخته می‌شود. توانایی صنعتی قابل انحصار نیست. اگر در جایی استعداد و ظرفیتی وجود دارد به کل بخش صنعت قابل تعمیم است.»^{۳۶}

رمز افزایش کارآمدی نظام

۱- حرکت مسئولان به سمت تقوا و پارسایی

«حرکت هرچه بیشتر مسئولان به سمت عدالت و تقوا و پارسایی، رمز افزایش کارآمدی نظام است و همه‌ی مسئولان کشور باید تلاش خود را صرف اجرای عدالت اجتماعی و تحقق عینی ارزش‌های اسلامی کنند.»^{۳۷}

۲- تلاش جهت تحقق عینی ارزش‌های اسلامی

«اگر مسئولان کارآمدی خود را در جهت تحقق عینی ارزش‌های اسلامی افزایش دهند و در مقابل عملکرد خود پاسخ‌گو باشند با توجه به امکانات فراوان کشور و تجربه‌ی موفق ملت در پیشرفت و سازندگی، پیروزی جمهوری

این زیربناها سگوهای پرش این ملت به‌سوی آینده هستند. تجربه‌ها و توانایی‌های مترکمی از کارکرد این چهار دهه در اختیار مسئولان امروز قرار گرفته است. نسل‌های جدیدی با تفکر انقلابی و سرشار از انگیزه تربیت شده‌اند و امروز آماده‌اند. ما اول انقلاب این مقدار شخصیت‌آماده‌ی مدیریت نداشتیم؛ امروز بحمدالله جوانانی که آماده هستند برای این که نقش‌آفرینی کنند در بخش‌های مختلف اداره‌ی کشور، فراوانند؛ این‌ها را انقلاب تربیت کرده. تلاش این مجموعه‌ی مردان فعال و دولت‌مردان مؤثر در طول این چهار دهه، توانسته است این فراورده‌ی عظیم را در اختیار ملت بگذارد.»^{۳۸}

۵- کارآمدی در عرصه علمی

۱-۵ پیشرفت‌های فراوان علمی

«این پیشرفت علمی و این توفیقاتی که تا امروز در محیط علمی کشور اتفاق افتاده است، به برکت انقلاب اسلامی است؛ این به برکت اسلام است؛ به برکت انقلاب است. اگر عامل فعال و پیش‌برنده‌ی انقلاب و اعتقاد دینی نمی‌توانست اوضاع کشور را به طور عموم و از جمله در مسئله‌ی علم تحت تأثیر قرار دهد، یقیناً شعاع نفوذ قدرت‌های سلطه‌گر اجازه نمی‌داد یک کشوری مثل ایران - که آن‌ها چشم طمع به آن دوخته‌اند - بتواند در زمینه‌ی علم این پیشرفت‌ها را بکند و این خودباوری و اعتماد به نفس را به دست آورد؛ نمی‌گذاشتند؛ کما این که جاهای دیگر هم نمی‌گذارند؛ آن جاهایی که آن‌ها تسلط و نفوذ دارند. این انقلاب اسلامی بود که آمد آن فضا را شکست و فضای علمی را غالب کرد.»^{۳۹}

۲-۵ تغییر وابستگی علمی به خودباوری علمی

«این انقلابی که در ایران اتفاق افتاد، تغییراتی را به وجود آورد که از لحاظ عمق و ژرفا تغییرات مهمی است، تغییرات اساسی است. بر اساس این تغییرات است که می‌شود جامعه را پیش برد و تغییرات گسترده‌ای به وجود آورد. این پایه‌های اصلی، محکم گذاشته شد.»^{۴۰}

۳-۵ خودباوری علمی و اعتماد به نفس ملی

«قبل از انقلاب، تکیه‌ی علم و فناوری کشور به طور کامل به غرب بود. بارها گفته‌ام؛ بعضی از قطعات هواپیماهای نظامی ما را که خراب شده بود، سائیده شده بود، بنا بود اصلاح شود، اجازه نمی‌دادند مهندسین داخلی نیروی هوایی این قطعه را باز کنند، ببینند چی هست، چه برسد به این که به فکر درست کردنش بیفتند. قطعه را می‌گذاشتند توی هواپیما، می‌بردند آمریکا، یکی به جایش می‌آوردند؛ یا اگر بنا بود اصلاحش کنند، اصلاحش می‌کردند. صنعتی که وجود داشت، صنعت مونتاژ محض بود، بدون هیچ ابتکاری. بعد از انقلاب، خودباوری علمی و اعتماد به نفس ملی به وجود آمد؛ حضور این همه دانشمند، دانشمندان برجسته و بزرگ در رشته‌های مختلف مشاهده شد. امروز ما دانشمندانی در داخل کشور داریم که در سطح جهان، شبیه آن‌ها و نظیر آن‌ها قابل شمارشند؛ تعداد معدودی هستند. دانشمندان ما پیش رفتند؛ غالباً هم جوان.»^{۴۱}

۶- کارآمدی در عرصه اقتصادی

۱-۶ موفقیت‌های چشم‌گیر در زمینه‌های اقتصادی

«امروز آن چه که در زمینه‌های اقتصادی در ایران انجام می‌گیرد، کارهای اصیل و واقعی است. ممکن است بگویند درآمد ملی در فلان دوره‌ی قبل از



من مکرر عرض کرده‌ام که هر جا مدیریت‌های متعهد، مؤمن و دلسوز بر سرکار بودند و با عقل و درایت و ایمان و تعهد نسبت به مردم و نظام اسلامی کار کردند، ما توفیق پیدا کردیم.

۵- مدیریت جهادی؛ شرط افزایش کار آمدی
«جز با کار جهادی و کار انقلابی نخواهیم توانست این کشور را به سامان برسانیم. در همه‌ی بخش‌ها کمر بسته بودن مثل یک جهادگر لازم است؛ این اگر بود کارها راه می‌افتد؛ این اگر بود بن‌بست‌ها باز می‌شود، شکافته می‌شود؛ [یعنی] کار فراوان، پُرحجم و باکیفیت و مجاهدانه و انقلابی.»^{۴۴}
«باید مدیریت جهادی را بر دیوان‌سالاری‌های فرسوده ترجیح بدهیم؛ این یکی از اولویتهای ما است؛ اصرار بر مدیریت جهادی. مسئولین کشور در قوه‌ی مجریه، در قوه‌ی قضائیه، در بخش‌های مختلف، مدیریت جهادی را دنبال نکنند. مدیریت جهادی به معنای بی‌انضباطی نیست؛ پُرکاری، با تدبیر حرکت کردن، شب و روز نشناختن و دنبال کار را گرفتن، این معنای مدیریت جهادی است.»^{۴۵}

«اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور در شرایط کنونی فشارهای خباثت‌آمیز قدرت‌های جهانی و در شرایط دیگر قابل حل است و کشور حرکت رو به جلو را ادامه خواهد داد.»^{۴۶}
«ما احتیاج داریم به مدیریت جهادی. در سال‌های اول انقلاب در دوران جنگ و در طول این سی و چند سال، هر جا به مدیریت جهادی تکیه کردیم، موفق شدیم. مدیریت جهادی ممکن است یک وقت‌هایی پرت هم

اسلامی ایران و پیروزی حق بر باطل در همه‌ی میدان‌ها قطعی است.»^{۴۰}

۳- تعهد مدیران

«من مکرر عرض کرده‌ام که هر جا مدیریت‌های متعهد، مؤمن و دلسوز بر سرکار بودند و با عقل و درایت و ایمان و تعهد نسبت به مردم و نظام اسلامی کار کردند، ما توفیق پیدا کردیم.»^{۴۱}
«من، حقیقتاً به مدیریت جدید کشور از اعماق دل اعتقاد و اطمینان و امید دارم. من آن روزی را می‌بینم که این مدیریت صالح و سالم و کارآمد و انقلابی بتواند ان‌شاءالله به کمک مردم - که شرط اصلی است - همه‌ی این گره‌هایی را که وجود دارد، باز کند و راه‌ها را هموار نماید.»^{۴۲}

۴- تخصص مدیران

«این که عناصر نزدیک به خودتان را - که در واقع دست‌ها و بازوهای شما هستند - از آدم‌هایی انتخاب کنید که کار را بشناسند. ممکن است یک وزیر با کار، چندان آشنا نباشد؛ اما معاونانش اگر با کار آشنا باشند، این خلأ پُر خواهد شد. اگر بنا شد معاون - که مشاور و بازوی وزیر است - کاری را که در معاونت به او سپرده‌اند، نشناسد و اوایلا خواهد شد. همه جای دنیا معمول است که با آمد و رفت دولت‌ها، وزرا عوض می‌شوند؛ لیکن در بسیاری از کشورها این گونه است که یک معاون وزیر همیشه ماندگار است.»^{۴۳}

قرار بدهند. ما می‌توانیم این کارآئی را افزایش بدهیم..... بایستی عقلمان را و علم‌مان را و عزم‌مان را تقویت کنیم.»^{۵۱}

پاسخ به چند پرسش پیرامون کارآمدی یا ناکارآمدی نظام اسلامی

۱- علاج تهاجم به ناکارآمدی نظام چیست؟

پاسخ: «باید با این خطاها برخورد شود؛ این در کارایی نظام تأثیر دارد. اگر مسئولان دولتی در جای خود و مسئولان قضایی در جای خود، هر کدام با این انحرافات و خطاها برخورد کنند هم کارایی مسئولان دولت در زمینه‌های مختلف زیاد خواهد شد و هم این معضل اقتصادی - مشکل اشتغال، مشکل صادرات و واردات، مسائل مربوط به پول و غیره - عمدتاً حل خواهد شد؛ یعنی برخورد با فساد هم موجب می‌شود که افراد دقت بیشتری بکنند، هم موجب می‌شود که دست‌های خیانت‌کار بترسند و عقب بکشند. این دو عامل موجب خواهد شد که در کارهای اقتصادی و جاری کشور و دولت، پیشرفت به وجود آید. بنابراین علاج تهاجم به ناکارآمدی نظام، اثبات کارآمدی است که اثبات کارآمدی هم این‌گونه است.»^{۵۲}

۲- آیا ناکارآمدی یک بخش از نظام به معنای ناکارآمدی کل نظام نیست؟

پاسخ اول: «اگر خدای نکرده در بخش‌های مختلف - چه اقتصادی و چه غیراقتصادی - یک بخشی از خود ناکارآمدی نشان بدهد، این به حساب ناکارآمدی نظام گذاشته خواهد شد و این بی‌انصافی است؛ نظام کارآمد است؛ بخش‌های مختلف باید بتوانند خودشان را پایه‌های نظام پیش ببرند.»^{۵۳}

پاسخ دوم: «بنده بارها به مسئولین مختلف کشور، در جاهای مختلف، عرض کرده‌ام: «مردم فلان شهر یا فلان روستای دورافتاده‌ی کشور، نظام را در چهره‌ی همان بخشدار یا رئیس پاسگاه نیروی انتظامی یا آن مسئول مربوطه مشاهده می‌کنند. برای آنان رئیس جمهور و وزیر و رئیس و معاون و همه، همین است که با او مواجه است. اگر او سالم باشد، امین باشد، مردم‌دار و دلسوز باشد، نشان این است که کل تشکیلات دولت این‌گونه است. و اگر خدای ناکرده قدم را کج بردارد، او مقایسه می‌کند و نمی‌شود جلو مقایسه‌اش را گرفت.»^{۵۴}

۳- نقش مدیران عالی در فرایند کارآمدی نظام چیست؟

پاسخ: «تأثیر مدیران بالا در سرنوشت جامعه هم تا حدود زیادی از این جهت است که مدیر برتر و بالاتر، این قدرت را دارد که دست‌ها و ایادی چرخاننده‌ی چرخ‌های کشور را سالم انتخاب بکند؛ یعنی سلامت آن‌ها جزو سلامت دستگاه حکومت است. وقتی امیرالمؤمنین، علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) در رأس حکومت قرار می‌گیرد، تمام شاخه‌های مدیریت در جامعه به طرف صلاح حرکت می‌کند به طوری که اگر یک گوشه از مجموعه‌ی این دستگاه مدیریت، ناسالم و ناپاک و غیرمنطبق با معیارها باشد، برای قطع و قلع و قمع آن، امیرالمؤمنین (علیه السلام) چندین ماهه را بر خودش هموار می‌کند؛ یعنی مجموعه‌ی دستگاه مدیریت کشور باید علوی باشد.»^{۵۵}

۴- آیا برخی نابسامانی‌ها در کشور نشانه‌ی ناکارآمدی نظام نیست؟

«این درست است که تا در یک گوشه، مختصر نابسامانی به عقیده و سلیقه‌ی کسی پیدا شود، ریش بجنباند و بنا کند اعتراض و اشکال کردن؟! تا یک مشکل

داشته باشد اما پیشرفت خواهد داشت و کار را پیش خواهد برد. تکیه‌ی به قدرت الهی، توکل به خدای متعال، کار را با تدبیر و عقلانیت اما با عزم راسخ، بدون تردید و بدون ترس از جوانب پیش بردن؛ این مدیریت جهادی است.»^{۳۷}

«این مدیریت جهادی مخصوص دولت نیست، شامل مجلس هم هست؛ طبعاً در حوزه‌ی کار مسئولیت خود مجلس، یعنی تقنین و نظارت که عمده‌ترین مسئولیت‌های مجلس است. این مسئولیت‌ها اگر به طور جدی، به دور از انگیزه‌های شخصی، به دور از هر چیزی جز انگیزه‌ی خدمت به مصالح کشور انجام بگیرد، بزرگ‌ترین کار جهادی است؛ کار جهادی یعنی این؛ انگیزه‌های گوناگون را نباید دخالت داد، اولویت‌ها را باید نگاه کرد.»^{۳۸}

۶- زیر نظر داشتن دائمی مدیران

«عامل مؤثر دیگر در کارآمدی، زیر نظر داشتن دائمی مدیران است. وزیر، کار اجرایی به معنای تحرک فیزیکی خیلی ندارد؛ با نامه و مکاتبه هم شاید چندان سروکار نداشته باشد و چه بهتر که نداشته باشد و غرق در کار تابل نشود. یک وقت مرحوم رجایی به من گفت که به محل کار یکی از وزرای خود در دوره نخست وزیریش رفته و در آن جا دیده که وزیر پشت میز پنهان است؛ از بس روی میز او کار تابل چیده بودند! ایشان می‌گفت رفتم وزیر را از آن جا بیرون کشیدم و به او گفتم کارت را بکن. این کار تابل دادن و گزارش دادن هم یکی از آن شگردهاست؛ این را بنده تجربه دارم؛ هم در دوره‌ی ریاست جمهوری، هم قبل از آن در تشکیلات نظامی و وزارت دفاع. بعضی اشخاص، عمداً مدیر برتر را به مسائل روی میز سرگرم می‌کنند تا او اصلاً فرصت سر خاراندن پیدا نکند. حواستان باشد؛ گاهی اوقات شگردهای ظریف هم اعمال می‌شود. کار وزیر این نیست. مهم‌ترین کار وزیر این است که به طور دائم حرکات مجموعه‌ی مدیران خودش را زیر نظر داشته باشد؛ درست مثل مربی کهنه‌کار یک تیم ورزشی که بیرون یا نزدیک میدان ایستاده و دایم بازیکنان خودش را زیر نظر دارد.»^{۳۹}

۷- اصلاحات انقلابی بر اساس ارزش‌های انقلاب

«هر چند هنوز با وضعیت مطلوب خیلی فاصله داریم اما با وضعیتی که جامعه زمان پیروزی انقلاب داشت، حکومت اسلامی با توفیق بسیار حرکت کرده و حقیقتاً کارایی خود را نشان داده است. رکود، سکون و سکوت موجب ایجاد جمود، تحجر و کهنگی می‌شود و فقدان کارایی را به دنبال می‌آورد. از این رو اگر نیروهای انقلابی بخواهند کهنگی به وجود نیاید و جامعه دچار ناکامی نشود، باید حرکتی رو به جلو داشته باشند. همان چیزی که من از آن به عنوان «اصلاحات انقلابی» و پیشرفت و نوآوری بر اساس ارزش‌های انقلاب یاد کرده‌ام.»^{۵۰}

۸- کار عالمانه، عاقلانه و عازمانه

«ما باید این کارآئی را افزایش بدهیم، با علم، با عقل، با عزم؛ سه تا «عین». عالمانه باید باشد؛ عاقلانه باید باشد؛ عازمانه باید باشد. باید با عزم همراه باشد؛ با سست‌عنصری و سست‌عهدی نمی‌شود پیش رفت. علم و عقل را به کار بگیرند و عزم ملی را مثل موتوری پشت سر این‌ها



۱۴. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هم‌اندیشی علمای اهل تسنن و تشیع ۱۳۸۵/۱۰/۲۵.
۱۵. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۵/۱۵.
۱۶. بیانات در دیدار مهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم بزرگداشت دهه فجر ۱۳۷۱/۱۱/۱۸.
۱۷. بیانات در دیدار مردم به مناسبت عید غدیر ۱۳۸۸/۹/۱۵.
۱۸. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۷۸/۷/۱.
۱۹. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۷۹/۴/۱۴.
۲۰. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۸۰/۶/۱۵.
۲۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هم‌اندیشی علمای اهل تسنن و تشیع ۱۳۸۵/۱۰/۲۵.
۲۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۶/۶/۳۱.
۲۳. بیانات در دیدار مردم زنجان ۱۳۸۲/۷/۲۱.
۲۴. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۲/۱۱/۲۴.
۲۵. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۶/۱۱/۲۹.
۲۶. بیانات در دیدار مردم کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۱.
۲۷. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۵/۲/۱۸.
۲۸. بیانات در سالروز عید سعید معبث ۱۳۸۷/۴/۲۹.
۲۹. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۸۶/۲/۲۵.
۳۰. بیانات در دیدار جمعی از مردم و کارگزاران نظام ۱۳۶۹/۱۱/۱۰.
۳۱. بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۶/۵/۱۲.
۳۲. همان.
۳۳. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۲/۵/۱۵.
۳۴. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۹/۱۱/۱۵.
۳۵. همان.
۳۶. بیانات در دیدار جمعی از فضایی حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.
۳۷. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۶/۶/۳۱.
۳۸. بیانات در دیدار گروه کثیری از اصناف ۱۳۸۰/۴/۱۰.
۳۹. دیدار مسئولان نظام با رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۳۸۲/۸/۶.
۴۰. همان.
۴۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از اصناف ۱۳۸۰/۰۴/۱۰.
۴۲. سخنرانی در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی ۱۳۶۸/۵/۱۲.
۴۳. بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۰/۶/۵.
۴۴. بیانات در دیدار کارگران ۱۳۹۶/۲/۱۰.
۴۵. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۶/۱۱/۲۹.
۴۶. دیدار شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران با رهبر انقلاب ۱۳۹۲/۱۰/۲۳.
۴۷. بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۶/۴/۲.
۴۸. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۳/۳/۴.
۴۹. بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۰/۶/۵.
۵۰. بیانات در نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۲/۲۳.
۵۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۶/۶/۳۱.
۵۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۸۰/۶/۱۵.
۵۳. بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی ۱۳۹۶/۳/۱۴.
۵۴. بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوره دوم ریاست جمهوری آقای «هاشمی رفسنجانی» ۱۳۷۲/۰۵/۱۲.
۵۵. سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر ۱۳۶۹/۰۴/۲۰.
۵۶. بیانات در جمع علما و روحانیون تبریز ۱۳۷۲/۵/۵.

در اداره‌ای برایش پیدا شد، یا یک مأمور دولتی، چپ نگاهش کرده، یاوه بسراید که: «حالا هم مثل زمان فلان است؟!» این ناشی از نفهمیدن آن چه که واقع شده است نیست؟! این، ناشی از عدم معرفتِ نعمتِ خدا نیست؟! یا خدای ناکرده ناشی از انکار نعمتِ خداست؟! «بِعَرَفُونِ نِعْمَتِ اللَّهِ ثُمَّ يَنْكُرُونَهَا.» این جفا نیست به این حرکت به این عظمت؟! مگر وقتی حکومت درست شد، صحیح شد، موازین حکومت موازین کاملی شد؛ در سراسر این حکومت همه‌ی کارها درست خواهد بود؟! از کجا چنین چیزی ثابت شده است؟! در زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) که مثال عدل و تقواست دیگر شما از امیرالمؤمنین (علیه السلام) که کسی را عادل تر و با تفاوتی سراغ ندرید مگر حکامی که بر ولایات مسلط بودند و خود امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرستاده بود، همه «بوذر» و «سلمان» بودند؟! خیر! چهار نفر مثل ابوذر و سلمان و عمار و فلان داشت. مابقی، آدم‌های عوضی بودند. تاریخ را بردارید نگاه کنید! این، تاریخ است. یکی از استانداران امیرالمؤمنین (علیه السلام) «زبادبن ابیه» بر منطقه‌ی وسیعی حاکم بود. بسیاری از این قبیل در اطراف و اکناف بلاد اسلامی بودند. امام حسن مجتبی (علیه السلام) سردار بزرگ جنگش «عبیدالله بن عباس» بود که می‌ناید چه کار کرد. شبانه رفت با «معاویه» که آن طرف بود، مذاکره کرد. پول گرفت، لشکرگاه خودش را ترک کرد و به دشمن پناهنده شد! امروز اگر یک سرباز شما به دشمن پناهنده می‌شود، چگونه دربارش قضاوت می‌کنید؟ شب خوابیدند، صبح بلند شدند دیدند فرماندهی کل نیروهای امام حسن (علیه السلام) از خیمه بیرون نمی‌آید. یک ساعت، دو ساعت، بعد رفتند داخل خیمه، دیدند نیست! دقت کردند، دیدند آن طرف خیمه شکافته است. بعد، قضیه روشن شد. در رأس کار چه کسی بود؟ امام حسن مجتبی (علیه السلام).

این چه توقع بی‌جایی است که اگر یک رئیس، یک مرئوس، یک قاضی، یا مسئول بخش خاصی از کشور از تشکیلات حکومت اسلامی پایش را کج بگذارد، آن آقای که با او مواجه می‌شود، فوراً شروع می‌کند به اصل نظام اسلامی، اصل جمهوری اسلامی، اصل حکومت اسلامی اهانت کردن؟!»^{۵۶}

پی‌نوشت‌ها:

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۱/۱۲/۱۳.
۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۳/۶/۳۱.
۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۶/۶/۳۱.
۴. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۳/۶/۳۱.
۵. بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۸۲/۷/۱.
۶. دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام با رهبر انقلاب ۱۳۹۵/۱۱/۱.
۷. بیانات در جمع دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲.
۸. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۸۰/۶/۱۵.
۹. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۶/۶/۳۱.
۱۰. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۰/۱۲/۱.
۱۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۶/۶/۳۱.
۱۲. بیانات در مراسم ششمین سالگرد رحلت امام خمینی ۱۳۷۴/۳/۱۴.
۱۳. بیانات در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۰.

ما باید این کارآئی را
افزایش بدهیم، با علم،
با عقل، با عزم؛ سه تا
«عین». عالمانه باید
باشد؛ عاقلانه باید باشد؛
عازمانه باید باشد. باید
با عزم همراه باشد؛
با سست‌عنصری و
سست‌عهدی نمی‌شود
پیش رفت. علم و عقل
را به کار بگیرند و عزم
ملی را مثل موتوری
پشت سر این‌ها قرار
دهند. ما می‌توانیم
این کارآئی را افزایش
بدهیم..... بایستی
عقلمان را و علممان را
و عزممان را تقویت
کنیم.